

وحدت اسلامی

از واقعیت‌های تلخ تا آرمان‌های شیرین

دکتر محمد خاقانی دانشیار گروه عربی دانشگاه اصفهان و دبیر کارگروه علمی فناوری ستاد نكوداشت اصفهان



آغاز با شکافی عمیق مواجه نمود شعار: «حسبنا کتاب‌الله» با هدف به انزوا کشاندن عترت رسول (ص)، جایگزینی خلافت به جای امامت، حذف اصل عدالت‌محوری در حاکمیت سیاسی و حرمان امامان شیعه به عنوان مظاهر راستین عدل اسلامی بود. اما لااقل نیمه جانی از وحدت اسلامی در قالب «خلافت» باقی ماند، که بی‌بهره از شایسته‌سالاری نبود و براساس نوعی حکومت پادشاهی موروثی به هر حال توانست در طول قرن‌های متمادی رقع‌های گسترده‌ی جغرافیای اسلامی را با کمترین نمودهای عدالت‌محوری به شکلی ضعیف به یکدیگر پیوند دهد و نوعی وحدت نیم‌بند را در بخش بزرگی از جهان اسلام نگه دارد.

این وحدت نیم‌بند که در عصر دوم خلافت عباسی بار دیگر با چالش تعصب کور عربی به جای اسلام‌گرایی تضعیف شد، پس از انقراض عباسیان با حاکمیت دو خلافت مغولی (از ۶۵۶ تا ۹۲۳ هجری قمری) و عثمانی (از ۹۲۳ تا ۱۲۱۳ هجری قمری) به افول بیشتر گرایید و تمدن عظیم اسلامی و در نتیجه وحدت جهان اسلامی را در سرآشویی سقوط و انحطاط قرار داد. تا آنکه مشعل علم و فرهنگ با بی‌کفایتی سردمداران مسلمان به ملت‌های دیگر واگذار شد. و خدای علم و حکمت که مسلمانان را به روشنایی و خردورزی فراخوانده و وعده داده بود که نور خود را به‌رغم میل خفاشان شب‌پرست فروزان نگاه دارد، اما هشدار داده بود که در صورت عقب‌گرد مسلمانان و پشت کردن آنان از عقلانیت و اسلام‌خواهی نور دانش را به دیگران بسپارد و تلاش هر ملتی را که در راه بهروزی و خوشبختی خود سعی بلیغ می‌کند بی‌پاداش نگذارد، مشعل تمدن را به غربیانی سپرد که خسته از استبداد زر و زور و تزویر قرون وسطی به‌پا خاستند، و تاوان مبارزه با جمود را با تقدیم جان‌باختگانی از بهترین خردورزان خود پرداختند، و پرچم دانش را به اهتزاز درآوردند.

اما غربیان که با عصر روشنگری و ایجاد تحولی شگرف در باورهای پیشین خود سنگ بنای تمدن نو را در جامعه‌ی بشری گذاشتند، به موازات علم و دانش و تحقق دموکراسی و آزادی برای خود، عدالت فراگیر را پاس نداشتند و آزادی اندیشه و بیان و حکومت‌های مردم‌گرا را تنها برای خود خواستند. و با سلطه بر شرق به چپاول ثروت و مکنت شرقیان پرداختند. و بیش از آنچه به ما دادند از ما ستاندند. دانش دادند و عزت را گرفتند، فناوری دادند و خودباوری را ستاندند.

انتخاب اصفهان به عنوان پایتخت فرهنگی جهان اسلام در سال ۲۰۰۶ میلادی که با تصویب وزرای فرهنگ ۵۷ کشور عضو سازمان کنفرانس اسلامی صورت گرفت، بار دیگر توجه به آرمان وحدت اسلامی را به عنوان راهکار اصلی مواجهه با چالش‌های سیاسی و فرهنگی جهان اسلام در اذهان متجلی می‌سازد.

توجه سازمان کنفرانس اسلامی به چنین رویکردهایی نشان‌دهنده‌ی این است که با وجود موانع عمده‌ی پیشروی رهبران نظام‌های اسلامی و اختلافات فراوانی که ملت‌های مسلمان را از ذوب شدن در دریای خروشان فرهنگ اسلامی باز داشته است، همچنان بارقه‌های امید برای بهره‌گیری از فرصت‌های مختلف در تقریب آرا و افکار کشورهای اسلامی وجود دارد. مروری گذرا بر پیشینه‌ی تاریخی ملت‌های مسلمان تداعی‌گر خاطرات تلخ و شیرین فراوان از همگرایی جهان اسلام است. در آغاز ظهور اسلام، تابش مشعل فروزان قرآن و پیام وحدت‌بخش پیامبر رحمت توانست در ربع قرن نه تنها اعراب آکنده از تعصب جاهلی و پایبند به سنت‌های قبیله‌ای و ناآشنا با تجربه‌ی تمدن‌های رشدیافته، بلکه تمدن‌های بزرگ و فراگیری چون ایران شاهنشاهی و روم قیصری را در هاضمه‌ی مقتدر خود به وحدت و همدلی برساند.

هر چند سلطه‌ی حزب اموی در نیمه‌ی دوم قرن اول هجری مدتی با شعار عربیت و تفکر حاکمیت عرب بر عجم و اطلاق موالی (بردگان) بر شهروندان غیرعرب جامعه‌ی اسلامی چند صباحی بر پیوند عمیق فرهنگی توده‌های مسلمان لطماتی سخت وارد کرد، اما عصر اول عباسی و حاکمیت خلافتی که عناصر غیرعرب و در صدر آنان فرهیختگان ایرانی در تکوین آن نقشی بی‌بدیل داشتند، تمدن عظیم اسلامی را با گسترش مرزهای دانش بنا کرد و عصر طلایی تمدن اسلامی به‌ویژه قرن چهارم هجری جلوه‌های درخشانی به یادگار گذاشت که تا زمان ما سایر تمدن‌های جامعه‌ی بشری از جمله تمدن مغرب‌زمین را وامدار خود ساخت. در منظومه‌ی تفکر شیعی، آنچه وحدت اسلامی را از

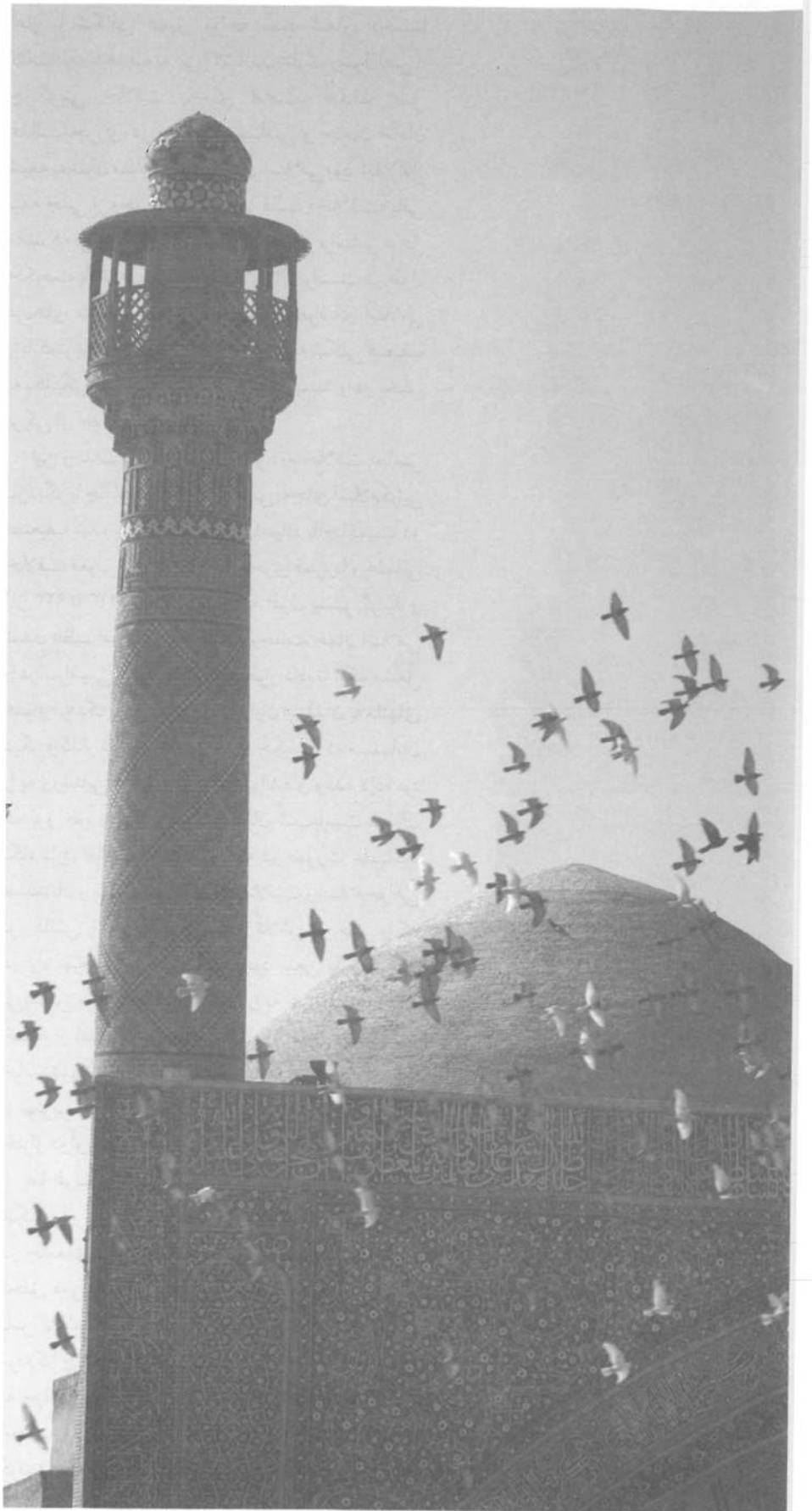
غریبان با حمله‌ی ناپلئون به مصر، تأسیس دانشگاهها و نشر جراید و مجلات را به رسم سوغات تقدیممان کردند، و لعابی از مدرنیته و نوگرایی را بر اندامان گستراندند، اما از درون تخلیه‌مان کردند، و وحدت اسلامی و عزت‌نفس ما را در آزمایشگاههای فیزیک و شیمی خود تجزیه کردند.

دستاورد بزرگ سلطه‌ی غریبان بر جهان اسلام در پایان جنگ جهانی اول با تجزیه‌ی وحدت نیم‌بند مورد اعتقاد مسلمانان سنی، یعنی خلافت عثمانی، تکمیل شد و ثمره‌ی آن تکه تکه شدن کشورهای عربی و جداسازی آنان از ترکیه‌ی فعلی و قیمومت فرانسه بر سرزمین شام و حاکمیت انگلیس بر عراق و اردن و فلسطین و عربستان و جنوب خلیج فارس بود.

با تلاش بی‌وقفه‌ی تمدن غرب، سرانجام مقر خلافت عثمانی و رمز وحدت اسلامی سنی در ترکیه‌ی آتاتورک فرو کاسته شد، و ترکان ملزم شدند که به ترکی نماز گزارند و از همه‌ی هویت اسلامی خود بگسلند، و حتی با تغییر خطشان از رسم الخط عربی به الفبای لاتین امکان مرور بر گذشته‌ی اسلامی خود را نیز نیابند.

در زیر نوار مرزی ترکیه نیز به برکت فرانسه‌ی جمهوری خواه، بخشی از شام با نام جدید لبنان از سوریه جدا شد تا از آن پس با فتنه‌ی لبنان مسیحی و سوریه‌ی مسلمان همواره امکان دخالت غریبان به اسم دفاع از مسیحیان فراهم شود، و از همه اسف‌بارتر خدعه‌ی پلید استعمار پیر انگلیس بود که غده‌ی سرطانی صهیونیسم را در قلب جهان اسلام پرورش داد و جهان اسلامی را به نکستی بزرگ گرفتار کرد.

غریبان از سوی دیگر تلاش کردند تا جنبش‌های ملی و محلی را جایگزین خیزش مشترک اسلامی نمایند، که از حرکت‌های پان‌ترکیسم و پان‌عربیسم و از این قبیل سر برآورد، و جلوه‌ی عربی آن در مصر در قالب حرکت جمال عبدالناصر به رویارویی حرکت اخوان المسلمین و سلفی‌های نوگرا انجامید و دستاورد خود را در کمپ‌دیوید به نمایش گذاشت که در نوع خود ضربه‌ای عمیق بر پیکر وحدت اسلامی وارد کرد و به انفصال مصر از حلقه‌ی کشورهای مسلمان منجر شد، و در عراق با حاکمیت حزب بعث عراق به نام عربیت و غلبه بر مجوسان ایرانی جنگ طاقت‌فرسای ۸ ساله را بر ما تحمیل کرد، و نام خلیج فارس را به چالشی فراگیر در روابط ایران و همسایگان جنوبی خود مبدل نمود.





طرفین کمک شایان نماید.

همچنین سازمان کمستیک که نهاد علمی و فناوری وابسته به سازمان کنفرانس اسلامی است، و سازمان آیسسکو (سازمان تربیت و فرهنگ جهان اسلام که به مثابه یونسکو کشورهای اسلامی است) و یکی از دوابر وابسته به آن یعنی اتحادیه‌ی دانشگاه‌های جهان اسلام که حدود ۱۴۰ دانشگاه از کشورهای اسلامی در آن عضویت دارند، می‌تواند در برقراری ارتباطات علمی بین دانشمندان مسلمان نقش‌آفرین باشد.

از نظر حجم روابط اقتصادی، بانک توسعه‌ی اسلامی تلاش کرده است بر برخی تنگناهای نظری نظام بانکداری اسلامی فایق آید، اما هنوز تا تحقق ایده‌ی برپایی بازار مشترک اسلامی و تصویب پول واحد بین مسلمانان فاصله‌ی فراوانی داریم، و حجم مبادلات کشورهای اسلامی نیز در حال حاضر فقط ۳ درصد حجم کل مبادلات آنها را رقم می‌زند که نسبت مایوس‌کننده‌ای است. اگرچه در آخرین نشست سازمان کنفرانس اسلامی قرار شد این نسبت در کوتاه‌مدت به ۲۰ درصد ارتقا یابد، اما شاید از همه مهمتر ایجاد بسترهایی باشد که بتواند به خیزش عظیم فرهنگی توده‌های مسلمان در رویارویی با دسیسه‌های تفرقه‌افکنانه‌ی دشمنان قسم‌خورده‌ی جهان اسلام کمک کند. در همین راستا باید از فرصت به‌دست آمده در طرح پایتخت فرهنگی جهان اسلام حداکثر استفاده را محقق ساخت.

امید است اصفهان سرافراز با پیشینه‌ی ارزشمند تاریخی خود و با منظومه‌ای از هزاران شخصیت برجسته‌ی فقهی، فلسفی، ادبی و علمی تاریخ شکوهمند خود بتواند در سال پایتختی فرهنگی، محل آمد و شد فرهیختگان مسلمان از سراسر دنیا باشد و در تحقق آرمان وحدت امت اسلامی نقش تاریخی خود را در این مرحله‌ی حساس به خوبی ایفا کند.

ابعاد دخالت غریبان همچنین در ام‌القرای جهان اسلام نیز قصه‌های تلخ فراوان از توطئه‌های پیدا و پنهان دارد که در این مقاله مجالی برای باز کردن آن نیست. اکنون ما هستیم و جهان اسلام که شامل توده‌هایی انبوه با داشتن یک چهارم جمعیت جامعه‌ی بشری و منابع عظیم اقتصادی و کشاورزی و انسانی، وسعتی افزون از بزرگترین قاره‌ی کره‌ی خاک که اکنون در قالب ۵۷ کشور اسلامی اعضای سازمان کنفرانس اسلامی را تشکیل داده‌اند.

اگرچه جلوه‌های وحدت‌بخش توده‌های مسلمان در روابط سیاسی سران کشورهای اسلامی خلاصه نمی‌شود و مظاهر ارزشمندی که در رأس آنها مراسم حج قرار دارد و نیز روابط فردی یا گروهی مسلمانان چه در کشورهای اسلامی و چه در بین اقلیتهای مسلمان قاره‌های مختلف گیتی به‌ویژه بین فرهیختگان مسلمان امیدبخش است، اما سازمان کنفرانس اسلامی بی‌شک از نظر تنظیم روابط سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و مذهبی جوامع اسلامی سهم بسزایی دارد.

در بین زیرمجموعه‌های این سازمان، مجمع فقه اسلامی - که جمهوری اسلامی ایران نیز در آن مشارکت فعال دارد - عهده‌دار برقراری تفاهم بین مذاهب مختلف فقهی جهان اسلام است، و هر چند مذهب شیعی به‌دلیل قرار گرفتن در اقلیت، قادر به تأثیرگذاری کلان در فتاوی و مواضع فقهی عمده‌ی اسلام نیست و گهگاه اجماعی که بین مفتیان اهل سنت بر سر چالش‌های فقهی جهان اسلام به‌خصوص در دنیای پیچیده‌ی کنونی و حوادث مستحده‌ی معاصر در زمینه‌های مختلف نظیر بانکداری بدون ربا، یا حلیت و حرمت شبیه‌سازی انسانی، یا مسائل حقوق بین‌الملل حاصل می‌شود، تأمین‌کننده‌ی دیدگاه‌های فقه شیعی با رویکرد عقل‌گرایی ویژه‌ی این مذهب نیست، اما می‌تواند به تقریب مذهب و همگرایی بر سر اصول مورد اتفاق